Theories and criticism in Arabic literature
The Four Year, Issue 16, 2025
Pp:47-66
Research Paper
DOI: 10.22034/jral.2026.592147.1120

Review and Criticism of the Translation of the Book "Art and Sects in Arabic Prose"

Fateme Tanha*, Sobhan Kavosi[۲]

(Received: 2025/07/16, Accepted: 2025/09/03)

Abstract

Arabic prose has undergone profound transformations and developments from the pre-Islamic era to the present day across various regions, and numerous scholars and thinkers have proposed theories concerning its evolutionary trajectory and successive phases. Among these prominent scholars is Shawqī Ḍayf, the distinguished contemporary Egyptian author and literary critic, who, through his seminal work "Al-Fann wa Madhāhibuhu fī al-Nathr al-'Arabī" (Art and Its Schools in Arabic Prose), examines the evolution of Arabic prose from the pre-Islamic period to the early modern centuries from the perspective of literary artistry and rhetorical craftsmanship. The present study, employing a descriptive-analytical method and grounded in the principles of translation criticism, aims to conduct a qualitative assessment of the aforementioned translation across both formal (structural) and content-based (semantic) dimensions. The theoretical framework of this research is built upon key criteria including fidelity to the source text, conceptual accuracy, stylistic transfer, and translation error analysis. To this end, the source text is briefly introduced, followed by a comparative analysis of the translation at lexical, syntactic, and stylistic levels. The findings derived from the examination of this work indicate that, like most human-authored productions, the present translation exhibits both merits and shortcomings manifested in its formal and content structures. Given the significance and status of the book as one of the primary reference works in the field of Arabic prose, its merits include an appropriate cover design, relative fidelity to the original text, and the translators' complete expertise in the domain of Arabic language and literature. Conversely, the principal weaknesses of this translation encompass numerous typographical errors, the lack of diacritical marking (vowelization) on poetic verses and prose excerpts, excessive adherence to Arabic syntactic structures resulting in a literal and unnatural Persian rendering, and inaccuracies in rendering certain technical terminologies and complex sentences.

Key words: Arabic prose, the book "Art and Sects in Arabic Prose", Shawqi Dhaif, translation criticism.

[۱]. Assistant professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: f.tanha@cfu.ac.ir

[۲]. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord. Iran.

©The Author(s). **Publisher**: Kosar University

التنظيرات والنقد في الادب العربي
السنة الرابعة، العدد ١٦، الشتاء
١٤٠٣هـ، ٢٠٢٥م، صص ٦٦-٤٧

مقاله پژوهشی
DOI: 10.22034/jral.2026.592147.1120

مطالعه تحلیلی ـ انتقادی نمونه‌های منتخب از ترجمه کتاب «الفن ومذاهبه فی النثر العربی»

فاطمه تنها*[1]، سبحان کاوسی[2]

تاریخ دریافت: ۲۵/ ۰۴/ ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۲/ ۰۶/ ۱۴۰۴

چکیده

نثر عربی از دوره جاهلی تاکنون دگرگونی‌ها و تحولات زیادی را در سرزمین‌های گوناگون تجربه کرده است و نویسندگان و اندیشمندان متعددی نظریه‌هایی را درباره سیر تحول و مراحل آن عرضه کرده‌اند. از جمله این اندیشمندان، شوقی ضیف، نویسنده معاصر مصری، می‌باشد که با تألیف کتاب «الفن ومذاهبه فی النثر العربی» به بررسی تحولات نثر از دوره جاهلی تا اوایل قرون جدید از منظر هنر و صنعت ادبی پرداخته است. اثر مذکور توسط مرضیه‌آباد و روح‌الله مهدیان به زبان فارسی برگردانده شده است. جستار حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با تکیه بر اصول نقد ترجمه با تکیه بر معیارهای امانت‌داری، دقت مفهومی، انتقال سبک، معادل‌یابی و تحلیل خطاهای ترجمه، درصدد ارزیابی کیفی ترجمۀ مذکور از دو بُعد شکلی و محتوایی برآمده است. چارچوب نظری پژوهش بر معیارهای امانت‌داری، دقت مفهومی، انتقال سبک و تحلیل خطاهای ترجمه‌ای استوار است. بدین منظور، متن مبدأ معرفی و سپس ترجمه در سطوح واژگانی، نحوی و سبکی با آن مقایسه و تحلیل شده است. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی اثر مذکور بر این موضوع دلالت دارد که ترجمه کتاب مورد نظر، همانند اکثر تألیفات انسانی، دارای امتیازات و کاستی‌هایی است که در ساختار شکلی و محتوایی نمود یافته است. با توجه به اهمیت و جایگاه کتاب به عنوان یکی از منابع اصلی در حوزه نثر عربی، از امتیازات آن می‌توان به طراحی مناسب جلد، امانت‌داری نسبی و تخصص کامل مترجمان در حوزۀ زبان و ادبیات عربی اشاره نمود. در مقابل، کاستی‌هایی چون اشتباهات تایپی فراوان، عدم اعراب‌گذاری کامل ابیات و شواهد عربی و نمونه‌های نثر، تأثیرپذیری افراطی از ساختار نحوی عربی که به ترجمه‌ای تحت اللفظی انجامیده و نیز عدم دقت در برگردان برخی اصطلاحات تخصصی و جملات پیچیده، از نقاط ضعف اصلی این ترجمه به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: نثر عربی، کتاب «الفن ومذاهبه فی النثر العربی»، شوقی ضیف، نقد ترجمه.

---

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان طهران، ایران. (نویسندۀ مسئول): ایمیل: f.tanha@cfu.ac.ir
۲. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

حقوق مؤلف: نویسنده **ناشر**: دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

نثر فنی، نثری است که افکاری منظم را در لباسی زیبا و جذاب، با سبکی نیکو و اسلوبی فصیح عرضه می‌دارد .ادبیات نگاران در اینکه نثر فنی از چه تاریخی در میان عرب ظهور کرده است، اختلاف نظر دارند. آنچه در آن شکی نیست، این است که از زمان جاهلیت، هیچ نثر فنی به معنای دقیق کلمه روایت نشده است. شیوه قدیم نثر عربی، شیوه سامیان قدیم است که دارای نظم و قاعده خاصی نبوده و جمله‌های مقطعی، بدون ارتباط منطقی با یکدیگر، شکل می‌گرفت. (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۱۱۰) نثر در دوره اسلامی نیز ادامه نثر دوره جاهلی بود؛ اما تفاوت‌هایی در آن مشاهده می‌شود.

با گذر زمان، نثر دوره‌ای از انحطاط را پشت سر گذاشت و وارد عصر نهضت شد. با گسترش ارتباط شرق و غرب، نویسندگان به عناصر فرهنگ نوین دست یافتند و با حمله ناپلئون به مصر و پیدایش چاپخانه‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌ها، نثر عربی روزبه‌روز به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافت. اغراض و فنون نثر گسترش یافت و به شاخه‌هایی همچون نثر ادبی، نثر اجتماعی و نثر سیاسی تقسیم شد (همان: ۲۴۵). ازاین‌رو، زمینه پژوهش در عناصر، تحولات و پیچیدگی‌های این سبک از هنر در جهان عرب، گسترده بود. شوقی ضیف، نویسنده معاصر مصری، از جمله پژوهشگرانی است که به مطالعه شعر و نثر عربی اهتمام ورزیده و آثار متعددی از خود برجای گذاشته است. از جمله این آثار، کتاب «الفن ومذاهبه فی النثر العربی» است که دنباله‌ای بر اثر دیگر او در حوزه شعر با عنوان «الفن ومذاهبه فی الشعر العربی» به شمار می‌رود. اثر مذکور با رویکرد بررسی نثر و انواع آن از دوره جاهلی تا اوایل قرون جدید، در انتشارات دارالمعارف قاهره منتشر شده است. با توجه به جایگاه والای این کتاب در حوزهٔ مطالعات نثر عربی و بهره‌مندی گستردهٔ پژوهشگران و دانشجویان از آن، ضرورت نقد و ارزیابی علمی ترجمهٔ فارسی اثر مذکور به قلم مرضیه آباد و روح الله مهدیان را دوچندان ساخته است.

البته باید توجه داشت که برخلاف آنچه از مفهوم نقد در نگاه نخست به ذهن متبادر می‌شود و آن را مترادف ایرادگیری می‌دانند، نقد در آثار علمی، «علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته‌های علمی، قواعد و اصول خاص خود را دارد که به آن «روش‌شناسی» نقد گفته می‌شود.» (حاجی‌زاده، ۱۳۹۵: ۴). ازاین‌رو می‌توان گفت ارزش نقد ادبی از ارزش خود آثار ادبی کمتر نیست؛ چراکه شناسایی نقاط قوت و ضعف یک اثر، موجب اجتناب نویسنده یا حتی دیگر پژوهشگران از تکرار نواقص مشابه شده و سطح علمی آثار بعدی را ارتقا می‌بخشد. نگارندگان برای نیل به این هدف با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اصول و مبانی نقد ترجمه، به بررسی و تحلیل داده‌های زبانی و متنی پرداخته و از روش کتابخانه‌ای و اسنادی برای گردآوری اطلاعات بهره جسته‌اند.

۱. ۱. سؤالات پژوهش

بر پایه چنین رویکردی، سؤالات اصلی پژوهش حاضر بر آن است که:

۱ـ ترجمهٔ فارسی کتاب مذکور تا چه اندازه در انتقال دقیق مفاهیم، اصطلاحات تخصصی، سبک و لحن متن اصلی موفق بوده است؟

۲ـ این ترجمه از حیث معیارهای شکلی (رسمی و ساختاری) و محتوایی (معنایی و اصطلاح‌شناختی) در چه سطحی از کیفیت قرار دارد؟

۱. ۲. پیشینه تحقیق

تاکنون هیچ پژوهش مستقل در نقد و بررسی کتاب «ابراهیم الکتاب» انجام نگرفته است.

۲. بررسی و تحلیل

کتاب «الفن ومذاهبه فی النثر العربی» با هدف معرفی و دسته‌بندی سبک‌های نثر فنی عربی از دوره جاهلی تا اوایل قرون جدید، از منظر هنر و صنعت ادبی تألیف شده است. در این اثر، شوقی ضیف، نویسنده نام‌آشنای معاصر، سه سبک صنعت، تصنیع و تصنّع را برای نثر عربی اثبات کرده و مطالب خود را در سه باب و در حدود ۴۰۰ صفحه به رشته تحریر درآورده است. هدف نویسنده از نگارش این کتاب، بررسی و تشریح مراحل مختلف نثر عربی، حوادث و تحولات آن در طول دوره‌های تاریخی و در سرزمین‌های گوناگون و نیز ترسیم الگوهای دقیق نثر عربی برای مخاطب است. وی کوشیده است بدون تعصب و نگاه جانبدارانه، ویژگی‌های هر دوره را بر اساس متون موجود تبیین کند و تصویری واقع‌بینانه از سیر تطور نثر عربی ارائه دهد.

کتاب در قالب سه باب به مباحث زیر می‌پردازد:

باب نخست کتاب شامل سه فصل است. نویسنده در فصل اول از باب اول به «صنعت در نثر جاهلی» می‌پردازد و مباحثی همچون نثر جاهلی، مثل‌های جاهلی، صنعت در امثال جاهلی، خطابه جاهلی، صنعت در خطابه جاهلی و سجع کاهنان را بررسی می‌کند. در فصل دوم، به «صنعت در نثر اسلامی» با عناوین فرعی اسلام (قرآن و حدیث نبوی)، خطابه در صدر اسلام، خطابه در دوره اموی (خطابه سیاسی، خطابه محافل، خطابه دینی، وعظ و مناظرات)، صنعت در خطابه اموی، نویسندگی در صدر اسلام، نویسندگی در عصر اموی، صنعت در نویسندگی عصر اموی، عبدالحمید کاتب و ویژگی‌های هنری نثر او می‌پردازد. در فصل سوم از باب اول، «صنعت در نثر دوره عباسی» با عناوین فرعی نثر عباسی، ابن مقفع (نژاد، زندگی و زندقه او)، صنعت ابن مقفع در کتاب‌ها و نامه‌هایش، سهل بن هارون (اصل، زندگی و فرهنگ او)، صنعت سهل در آثارش، جاحظ (اصل، فرهنگ و زندگی)، و صنعت جاحظ شامل واقع‌گرایی، استطراد، آرایش صوتی، آرایش عقلی و رساله «التربیع والتدویر» مورد بررسی قرار گرفته است.

باب دوم به «سبک تصنیع و سبک تصنّع» اختصاص دارد و در سه فصل تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «تصنیع و دیوان‌ها» به موضوعاتی همچون تصنیع در زندگی عرب‌ها، تصنیع و دیوان‌های

خلافت عباسی، تصنیع و دیوان‌های امارت‌های ایرانی، ابن‌عمید (زندگی و فرهنگ)، تصنیع ابن‌عمید، صاحب‌بن عباد و تصنیع او، تصنیع در آثار ابواسحاق صابی و عمومیت تصنیع در میان نویسندگان دیوان‌ها می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «تصنیع و تصنّع» به تشدید موج تصنیع، ابوبکر خوارزمی و تصنّع او، سبک تصنّع، تصنیع خوارزمی، بدیع‌الزمان و تصنیع در آثار او، تصنّع و تصنیع بدیع‌الزمان، مقامات بدیع‌الزمان و تصنّع موجود در آن، قابوس‌بن وشمگیر و تصنّع وی و رواج و گسترش تصنّع اختصاص دارد. فصل سوم باب دوم با عنوان «تصنّع و پیچیدگی» به ابوالعلاء (زندگی، هوش و فرهنگ)، تعقید در آثار او، پیچیدگی در «رسالۀ الغفران» و «الفصول والغایات»، حریری و پیچیدگی در آثارش، پیچیدگی در مقامات حریری، حصفکی و پیچیدگی در آثار او، و در نهایت پیچیدگی به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر می‌پردازد.

باب سوم به «سبک‌های هنری در اندلس و مصر» اختصاص یافته و در دو فصل تنظیم شده است. در فصل اول با عنوان «اندلس و سبک‌های هنری» مباحثی چون اندلس، شخصیت اندلس، نثر اندلس (ابن‌شهید)، ملوک‌الطوایف و نهضت نثر در اندلس (ابن زیدون)، و جمود نثر اندلس (لسان‌الدین بن‌خطیب) بررسی می‌شود. فصل دوم با عنوان «مصر و سبک‌های هنری» به موضوعاتی همچون مصر، شخصیت مصر، نثر در مصر (ابن عبدکان)، فاطمیان و نهضت نثر در عصر آنان (ابن شخباء)، ایوبیان و نهضت نثر در عصر آنان (قاضی فاضل)، ممالیک و تداوم نهضت نثر (محیی‌الدین بن عبدالظاهر)، و عصر عثمانی؛ بی‌حاصلی و جمود، اختصاص دارد. در پایان نیز، نویسنده در قالب بخش خاتمه، تصویری کلی از پژوهش خود ارائه داده و به بررسی نثر جدید مصری و مقایسه آن با نثر قدیم و جدید پرداخته است.

۲. ۱. تحلیل ابعاد شکلی اثر

شکل و ظاهر کتاب و هر اثر مکتوب، نخستین عنصری است که نظر هر خواننده و منتقدی را به خود جلب می‌کند؛ ازاین‌رو، هرچند در مقایسه با بررسی محتوایی آثار علمی سطحی‌تر به نظر می‌رسد، اما از عوامل اصلی جذب مخاطب محسوب می‌شود. ساخت یا ساختار، به معنای چارچوب متشکلِ پیدا و ناپیدای هر اثر، عبارت از نظامی است که همه اجزای اثر و اعضای آن در پیوندی هماهنگ، کلیت اثر را شکل می‌دهند. این کارکرد هدف مشخصی دارد که بدون تعامل و هماهنگی اجزا امکان‌پذیر نیست (رضایی و محمودی، ۱۳۸۹: ۴۷). هرچند مفهوم ساختار فراتر از ابعاد شکلی یک اثر است، اما این ابعاد را نیز دربر می‌گیرد (میرزائی، ابویسانی، بی‌تا: ۴). لذا در این مقاله، ابتدا به بررسی ابعاد شکلی کتاب مذکور پرداخته می‌شود و سپس در بخش بعدی به بررسی محتوایی آن خواهیم پرداخت.

در آغاز، بررسی از جلد کتاب و طرح آن شروع می‌شود؛ جلد، نخستین بخش از کتاب است که در اولین برخورد چشمی دیده می‌شود و در حقیقت شناسنامه و معرف محتوای اثر به شمار می‌آید. «طرح روی جلد از جمله اولین و مهمترین عوامل تاثیر گذاری اولیه در جذب مخاطب برای خواندن کتاب است

و می‌تواند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب یا دافعه جهت عدم توجه به آن را در بر داشته باشد» (اکبری‌تبار، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

در مورد جذابیت ظاهری کتاب و میزان تطابق آن با استانداردها و سلایق خوانندگان و جامعه علمی باید گفت که طرح روی جلد و ترکیب رنگ‌ها بسیار زیبا و متناسب انتخاب شده است. طرح روی جلد کتاب، تصویر یک شاخه گل به رنگ زرشکی است که در نگاه اول تناسب میان موضوع کتاب و طرح روی جلد را به خواننده القا می‌کند. همین طرح در پشت جلد کتاب، به صورت رنگ‌های سفید و کرمی نمایان شده است. عنوان کتاب با ترکیبی از رنگ‌های گرم، تیره و سرد، و با فونتی زیبا نگاشته شده و از رنگ‌های سیاه، سفید، زرد خردلی و زرشکی برای برجسته‌سازی عنوان کتاب و نیز درج نام نویسندگان بهره گرفته شده است. آرم دانشگاه فردوسی مشهد نیز در گوشه سمت راست جلد با رنگ سفید و زمینه زرشکی قابل مشاهده است. در پشت جلد کتاب، عنوان اثر و نام نویسندگان با رنگی متفاوت از زمینه، به زبان لاتین درج شده و در حدود هفت سطر، حاصل و چکیده‌ای از محتوای کتاب آمده است که این بخش، برگرفته‌ای از سخن مترجمان و نیز بخشی از خاتمه پژوهش است.

نوع جلد کتاب نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم شکلی است که همانند نمای بیرونی یک ساختمان، نقش قابل توجهی در جذب مخاطب ایفا می‌کند. اثر حاضر به صورت تک‌جلدی، در قطع وزیری و در ۳۳۶ صفحه، توسط انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد و در تیراژ ۵۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. جلد کتاب از نظر تناسب با حجم اثر قابل قبول است؛ اما شیرازه کتاب از استحکام و مرغوبیت کافی برخوردار نیست که می‌تواند در استفاده طولانی‌مدت از کتاب مشکل‌ساز باشد.

فهرست مطالب کتاب کاملاً استاندارد و دقیق تنظیم شده است. این فهرست شامل عناوین کلی فصل‌ها و زیرمجموعه‌های هر فصل است. عناوین فصل‌ها و باب‌ها با قلمی درشت‌تر و به صورت برجسته (Bold) و عناوین فرعی و زیرمجموعه‌ها با قلمی ریزتر نگاشته شده‌اند که به خوانایی ساختار کتاب کمک می‌کند.

از دیگر محسنات ظاهری کتاب، صحت چاپ و صفحه‌آرایی مناسب آن است؛ به‌گونه‌ای که از نظر کیفیت مرکب، حروف‌چینی و عدم ساییدگی حروف، استاندارد و مطلوب به نظر می‌رسد. همچنین در متن کتاب برای تایپ اشعار، نثر عربی و متن ترجمه از سه قلم متفاوت استفاده شده است که این امر از نقاط قوت اثر به شمار می‌آید. بااین‌حال، اندازه قلم متن اصلی نسبتاً ریز است و این موضوع موجب خستگی چشم خواننده در مطالعه طولانی‌مدت می‌شود. اندازه قلم در پاورقی‌ها نیز از متن اصلی کوچک‌تر و بسیار ریزتر به نظر می‌رسد. از آنجا که ترجمه اشعار و متون عربیِ شاهد مثال‌ها در پاورقی آمده و بخش قابل توجهی از صفحات را به خود اختصاص داده است، خواندن این بخش‌ها برای مخاطب با دشواری همراه می‌شود.

افزون بر این، تعداد سطرهای بسیاری از صفحات از ۲۲ سطر فراتر رفته است. به‌ویژه در صفحاتی که فاقد پاورقی هستند، تعداد سطرها بین ۲۷ تا ۳۰ سطر در نوسان است و گاه در برخی صفحات همراه با پاورقی به ۳۴ سطر نیز می‌رسد. همچنین در برخی صفحات، نبود پاراگراف‌بندی مناسب باعث شده است متن به‌صورت یکپارچه و فشرده ارائه شود که از میزان خوانایی آن می‌کاهد.

در خصوص حاشیه‌های کتاب می‌توان گفت که اصول فنی و استانداردهای صفحه‌آرایی تا حد زیادی رعایت شده است؛ تورفتگی حاشیه‌های راست، چپ، بالا و پایین نسبتاً مناسب است. همچنین سرصفحه‌ها به‌درستی تنظیم شده‌اند؛ به‌طوری که در صفحات زوج، نام کتاب و در صفحات فرد، عنوان فصل درج شده و شماره صفحه نیز در صفحات زوج در سمت راست و در صفحات فرد در سمت چپ قرار گرفته است.

آغاز هر فصل در صفحه‌ای مستقل و به شکلی مجزا صورت گرفته و عناوین فصل‌ها با قلمی درشت و پررنگ نگاشته شده است. با این‌حال، برخی از این عناوین دارای زیرمجموعه‌هایی هستند که بدون شماره‌گذاری در متن آمده‌اند؛ حال آنکه شماره‌گذاری این زیرعناوین می‌توانست به انسجام ساختاری و سهولت ارجاع در متن کتاب کمک شایانی کند.

در خصوص ویراستاری ادبی و علمی کتاب می‌توان گفت که مترجمان در بسیاری از موارد در انتخاب واژگان درست و معادل‌یابی مناسب برای اصطلاحات تخصصی موفق عمل کرده‌اند و متن، به‌طور کلی روان و قابل فهم ترجمه شده است؛ به‌جز در برخی موارد محدود که بررسی آن‌ها به بخش نقد محتوایی موکول خواهد شد.

متن کتاب از انسجام معنایی مناسبی برخوردار است. رسایی متن به معنای آن است که «محتوای کتاب در عین مفهوم بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعابیر خاص در زمینه مربوط باش» (کاردان، ۱۳۸۲: ۱۹). در خصوص روانی اثر حاضر می‌توان گفت که ترجمه، از انسجام نسبی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که خواننده با مطالعه هر بخش، دچار سردرگمی مفهومی نمی‌شود و می‌تواند مسیر بحث را به‌خوبی دنبال کند. روابط همنشینی و جانشینی در ترجمه اثر در بسیاری از موارد رعایت شده و تعقید چشمگیری در متن دیده نمی‌شود. البته در پاره‌ای از موارد، سبک عبارات به ساختار نحوی زبان عربی و زبان مبدأ نزدیک شده است که این موارد نیز در بخش تحلیل محتوایی بررسی خواهد شد.

از جمله ایرادات اساسی اثر حاضر، وجود اشتباهات تایپی و نگارشی است. با توجه به اهمیت کتاب و جایگاه آن به‌عنوان منبع و مرجعی در حوزه نثر عربی، دقت در درست‌نویسی و نشانه‌گذاری امری ضروری به شمار می‌آید. از آنجا که کتاب نخستین چاپ خود را پشت سر گذاشته است، امید می‌رود مترجمان محترم با رفع این اشکالات و رعایت دقیق علائم نگارشی در چاپ‌های بعدی، در جهت ارتقای هرچه بیشتر کیفیت علمی و فنی اثر گام بردارند.

تقریبا می‌توان گفت تمامی شاهد مثال هایی که مترجمان در بخش نثر عربی آورده‌اند، دارای اشتباهات تایپی فراوان همچون ایجاد فاصله بین واو و کلمه بعدی که این امر در نوشتار زبان عربی خطا است. در متن عربی حرف "کاف" با سرکش و فونت فارسی تایپ شده است که اشتباه است. برای نمونه، در صفحات ۱۹، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۳ و ۲۱۱، رعایت‌نشدن همزه‌های قطع و وصل و نیز نبودِ تشدید در واژگانی که به آن نیاز دارند، از دیگر کاستی‌های متن عربی کتاب به شمار می‌رود؛ کاستی‌ای که در برخی موارد، خوانش صحیح واژگان را با دشواری مواجه می‌سازد. علاوه بر متن عربی، در متن فارسی و نیز در ابیات، اشتباهات تایپی متعددی به چشم می‌خورد؛ از جمله: و با قدرت امور [ا] اداره می‌کنیم .وکَم فیهُم من سید ذی مهابةٍ، هدف من از معرفی نثر در این کتاب آن است که مطالعه ادبیات عرب را برای جوانان عصر حاضر جذاب سازم .چه کسی به اعراب خبر می‌دهد که من پس از آنها ارسطو و اسکند را دید [م] در اثر حاضر قواعد عمومی نگارش چندان رعایت نشده است، نگارندگان با مطالعه و نقد تصادفی قسمتی از نقد، به مواردی دست یافته¬اند که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود: عدم استفاده از علایم سجاوندی مانند قرار نگرفتن کاما [،] میان برخی جملات، مانند: به دلیل شباهت‌های این دو کتاب از جهت شیوه بررسی و تحلیل سبک‌های هنری و اصطلاحات، مترجمان نیز در ترجمه آن [،] شیوه هنر و سبک‌های شعر عربی را در پیش گرفتند. افزون بر این از آنجا که تمامی شواهد نثر و شعرهای موجود در کتاب به فارسی ترجمه شده [،] از ترجمه برخی واژگان خودداری کرده‌ایم. همچنان اوضاعش به سامان بود و بازار ادبی برپا کرده، آن را طراوت و رونق می‌بخشید]،[تدریس می‌کرد و املا می‌نمود]... و این طول دادن عمدی است زیرا هدف از آن [،] نشان دادن مهارت در ساختن سجع‌ها است. خبر درگذشت فلانی را شنیدم.....و از حسرت [،] هستی در چشمم تیره و تار شد. از جمله اینکه قصیده‌ای را که ... و تاکنون هرگز آن را نشنیده بود [،] با یکبار شنیدن حفظ می‌کرد. و نیز به این ترتیب است در صفحات۱۳، ۱۴، ۱۴۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۳۰۵، ۳۰۶ که در آن‌ها رعایت نشده است. عدم استفاده از نقطه کاما در جایگاه مناسب؛؛البته این مورد کم و نادر بود همانند: ... و به این دلیل که ما برای تولید نمونه‌های فنی، که در بردارنده آرایه‌های دقیق باشند، کم طاقت و عجول هستیم [؛] حتی از تصنیع و سجع و بدیع روی گردانیم. به راستی نیز نزد خوارزمی تمایلی آشکار به خودنمایی در تعبیر می‌بینیم،[؛] خودنماییی که گاه او را به کاربرد بعضی از واژه‌های نحوی می‌کشاند. کاربرد اصطلاحات محاوره‌ای به جای اصطلاحات ادبی، مانند: اما با ایجاد معادلات داخلی کاری کرده که این جملات نیز کوتاه به نظر می‌رسند. بی‌شک بعضی از این مثل‌ها دربردارندۀ انواع زیبایی‌های فنی است، که بعضی به انتخاب واژه‌ها و ساختارها و بعضی دیگر به تصویرها و سجع و توقیع بکار رفته در این مثل‌ها باز می‌گردد. استفاده مکرر از یک واژه در یک جمله، مانند: در دوران قطز، سپاه هلاکوی مغول در مقابل سپاهی به فرماندهی ظاهر بیبرس شکست خورد و همین امر باعث درخشش ظاهر شد و ظاهر به حکومت رسید. استفاده مکرر از دو فعل پشت سر هم. (این مورد به وفور

به چشم می‌خورد) مانند: بدین ترتیب خوارزمی در تصنیع خود به آنچه نزد ابن عمید و شاگردان او از سجع و بدیع دیدیم، تکیه می‌کرد. این وضعیت، زمینه را برای ظهور اندیشه اسلوب‌های از پیش تعیین شده که به ارث گذاشته می‌شود و در میان نویسندگان می‌گردد و تکرار می‌شود آماده ساخت. گویا کوتاهی موضوعات که بدان می‌پرداخت، باعث شده بود که او مطالب را چنین به رشته تعبیر کشد. عدم حرکت‌گذاری کامل ابیات؛ که این امر در برخی صفحات کتاب به چشم می‌خورد مانند صفحات ۲۳،۲۵، ۲۶۶، ۱۹۶ ... .

۲. ۲. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

شکل و مضمون از مؤلفه‌های آثار تاریخی ـ ادبی است؛ بنابراین پسندیده نیست که در نقد چنین آثاری، جانب یکی را نگه داشت و دیگری را به حال خود رها نمود، چرا که صرف شکل که معیار فنّی متون تاریخی – ادبی است آن‌ها را فقط وارد قلمرو تاریخ و ادبیات می‌کند، در حالی که مضمون، هویّت و آبشخور اندیشه‌ایِ آنها را آشکار می‌سازد و این همان چیزی است که جاودانگی، عظمت و اهمیت متن را در پی خواهد داشت (قصاب، ۲۰۰۷: ۴۸). «ترجمه پدیده‌ای است نسبی و بازبین که باید پیش از هر چیز در پی یافتن گزینش‌های اشتباه‌آمیز احتمالی در محتوا و سبک باشد و نه آن که هر جمله‌ای را از صافی سلیقه‌ی خود بگذراند» (حدادی، ۱۳۸۴: ۹۰). از این‌رو هنگامی که سخن از مباحث سلیقه‌ای به میان می‌آید، منتقد باید احکامی چون شیوا و غیر شیوا، رسا و نارسا و... صادر نماید. به عبارت دیگر در «چهارچوب اختیارات مترجم، دیگر درستی یا نادرستی متن مقصد مطرح نیست، بلکه می‌بایست با اصطلاحاتی چون «رسایی»، «روانی»، «سلیسی» و جز آن به نقد پرداخت» (صفوی، ۱۳۸۸: ۴۶)؛ بنابراین «مترجم می‌تواند در قلمرو اختیاراتش، از خود سلیقه یا کج سلیقگی نشان دهد» (همان: ۴۸). اما واقعیت این است که اختیارات مترجم نامحدود نیست. برخی از مترجمان آنچنان در اختیارات افراط می‌کنند که حتی به قلمروی محدودیت‌ها نیز گام نهاده، ترجمه خود را نادرست می‌سازند (همان: ۴۴) و همین امر سبب می‌شود نقد بیشتر بر روی این محدودیت‌ها متمرکز شود.

با توجه به ماهیت توصیفی ـ تحلیلی کتاب مورد بررسی و جایگاه آن به عنوان یکی از منابع مرجع در حوزهٔ نثر عربی، انتظار می‌رود ترجمه فارسی آن نیز از حیث دقت مفهومی، انسجام سبکی و پایبندی به معیارهای علمی ترجمه، واجد بالاترین سطح کیفی باشد. از این رو، تمرکز نقد محتوایی حاضر نه بر داوری‌های ذوقی، بلکه بر سنجش میزان انطباق ترجمه با اصول پذیرفته‌شده نقد ترجمه و ارزیابی میزان موفقیت مترجمان در انتقال دقیق مفاهیم، سبک و کارکردهای متن مبدأ به زبان مقصد است. «محدودیت‌های گزینشی در برگردان متنی از یک زبان به زبان دیگر، شامل انتخاب بجای واژه با توجه به عملکرد آن در ساخت‌های ترکیب، توجه به سبک متن، وحدت در استفاده از اصطلاحات، توجه به روابط دستوری حاکم بر ارکان جمله و بیان منظور نویسنده بدون افزایش یا کاهش در مطالب است.

تخطی از هر یک از موارد بالا در نقد علمی ترجمه با برچسب «نادرست» مشخص خواهد شد» (همان: ۴۵-۴۶).

تحلیل محتوای اثر به محقق کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با موضوع پژوهش را بدست آورده، به اهدافی که پژوهش در راستای آن انجام می‌گیرد، نزدیک شود (طالقانی، ۱۳۷۰: ۹۵). در این بخش اثر مذکور را در دو سطح واژگان و جملات مورد بررسی قرار داده و به مواردی همچون امانتداری در ترجمه تمام اجزاء کتاب، استفاده از کلمات عربی به کار رفته در ترجمه، حذف و اضافه در ترجمه، پایبندی به ساختارهای نحو عربی، اشتباهات در ترجمه و شیوه ارجاع دهی خواهیم پرداخت.

۲. ۲. ۱. امانتداری در ترجمه تمام اجزاء کتاب

زمانی که مترجم قرار است یک اثر را به طور کامل ترجمه نماید، امانتداری ایجاب می‌کند تمامی اجزای آن را به جز فهرست منابع، ترجمه کند (سمت، ۱۳۸۹: ۳). برای بررسی ترجمه مذکور، ده درصد از متن ترجمه شده به صورت تصادفی انتخاب و با متن فارسی مطابقت داده شد تا میزان رعایت امانت از ناحیه مترجمان و حذف و اضافه‌های احتمالی مشخصص گردد که در این راستا مشخص شد که مترجمان کاملا جانب امانت را رعایت کرده و مقید به متن اصلی بوده‌اند. البته ذکر این نکته در اینجا ضروری است که در متن کتاب اصلی در پایان کتاب بعد از فهرست موضوعات، اسامی کتاب‌های چاپ شده شوقی ضیف با عنوان «کتب للمؤلف مطبوعۀ بالدار» آمده است که در ترجمه مذکور مترجمان از آوردن آن چشم پوشی کرده‌اند. حال آنکه می‌توانست معلومات سودمندی درباره مؤلف کتاب و آثار منتشر شده او به خوانندگان بدهد.

۲. ۲. ۲. استفاده از کلمات عربی به‌کار رفته در متن ترجمه

ترجمه در واقع فرآیندی است که در محدوده متن صورت می‌گیرد نه در کلمات یا جملات، بگونه‌ای که برخی از نظریه‌پردازان ترجمه را برگردان یک متن از زبانی به زبانی دیگر تعریف نموده‌اند (House ۲۰۱۳: ۴). بر این اساس اگر مترجمی بدنبال ایجاد متنی است که از نظر شکل و معنی به متن مبدأ نزدیک باشد، باید در انتخاب معادل درست برای تک تک کلمات دقت عمل لازم را به خرج دهد.

در اثر حاضر مترجمان برخی از کلماتی را که در متن عربی بکار رفته عیناً وارد ترجمه خود نموده‌اند در حالیکه می‌توانستند جایگزین فارسی مناسبی برای آن انتخاب کنند؛ هر چند بسیاری از این کلمات در فارسی نیز کاربرد دارد اما بهتر بود از واژگان فارسی استفاده می‌کرد.

انتخاب مستقیم کلمات عربی در ترجمه، گرچه گاه به حفظ سبک و فضای متن مبدأ کمک می‌کند، اما در برخی موارد می‌تواند مانع فهم آسان مخاطب فارسی‌زبان شود. از این رو، استفاده از معادل‌های فارسی که دقیقاً مفهوم کلمه عربی را منتقل کنند، ضمن حفظ امانتداری معنایی، می‌تواند متن ترجمه

را روان‌تر و قابل استفاده‌تر سازد و ارزش آموزشی و پژوهشی اثر را افزایش دهد. این نکته به ویژه برای کلماتی که در زبان فارسی کمتر شناخته شده یا بار معنایی متفاوتی دارند، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

۲. ۲. ۳. بررسی ترجمه واژگان

متن اصلی: «والحق أننا نمضي في قراءة الخوارزمي وبديع الزمان...حتى نحس بأن تأليف الرسائل أصبح لا يُقصد به إلى التعبير عن معانٍ خاصة، إنما يُقصد به إلى التعبير عن غايات تعليمية» (ضیف، ۱۹۶۰: ۲۵۰)

ترجمه مترجم: (در واقع وقتی آثار خوارزمی و بدیع‌الزمان را مطالعه می‌کنیم... احساس می‌کنیم تألیف نامه‌ها دیگر برای تعبیر از معانی ویژه‌ای نیست؛ بلکه هدف از نگارش آن، تعبیر از اهداف تعلیمی است.)

تحلیل و ارزیابی ترجمه: در ترجمه حاضر، اگرچه مفهوم کلی جمله منتقل شده است، اما برخی معادل‌یابی‌ها دقیق نیست. واژه «تعبیر» در فارسی معنای «بیان کردن» مورد نظر متن عربی را به‌طور کامل منتقل نمی‌کند و بیشتر در معنای تفسیر و تأویل به کار می‌رود. همچنین ترکیب «تألیف نامه‌ها» ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از «تألیف الرسائل» است و با توجه به فضای ادبی کتاب، منظور از آن نگارش رسائل ادبی است. افزون بر این، عبارت «اهداف تعلیمی» نیز در فارسی روان‌تر است که به صورت «مقاصد آموزشی» یا «اهداف آموزشی» بیان شود.

ترجمه پیشنهادی: در واقع، هنگامی که آثار خوارزمی و بدیع‌الزمان را می‌خوانیم... احساس می‌کنیم نگارش رسائل دیگر با هدف بیان معانی خاص صورت نمی‌گرفت، بلکه هدف اصلی از آن، بیان مقاصد آموزشی بود.

۲. ۲. ۴. تعقید

متن اصلی: «على أننا لانترک الخوارزمی إلى قابوس بن وشمگیر... حتى نجده يحقق ضروباً من التعقيد لزخرف التصنيع لم تكن معروفةً من قبله» (همان: ۳۰۰).

ترجمه مترجم: اگر از خوارزمی بگذریم و به قابوس بن وشمگیر برسیم می‌بینیم... انواعی از تعقید در آرایه‌های تصنیع را که تا آن زمان شناخته شده نبود، تحقق می‌بخشد.

تحلیل و ارزیابی ترجمه: در این نمونه، واژه «التعقید» به صورت مستقیم به «تعقید» ترجمه شده است؛ در حالی که این اصطلاح در نقد ادبی به معنای پیچیدگی و دشواری در شیوه بیان و ساختار سخن است. همچنین کاربرد تعبیر «تحقق می‌بخشد» برای این مفهوم، در زبان فارسی چندان رسا نیست و انتقال دقیق معنای مورد نظر نویسنده را با ابهام همراه می‌کند. بنابراین، ترجمه نیازمند توجه بیشتر به معنای اصطلاحی واژگان تخصصی حوزه ادبیات است.

ترجمه پیشنهادی: اگر از خوارزمی بگذریم و به قابوس بن وشمگیر برسیم، می‌بینیم که او پیچیدگی‌هایی ناشی از صنعت‌پردازی را به کار می‌گیرد که پیش از آن شناخته‌شده نبود.

متن اصلی: «وهو مذهب كان يقوم على التعقيد فی الاسلوب والأداء» (همان: ۲۳۸).

ترجمه مترجم: سبکی که بر پیچیدگی در اسالیب و تعقید در بیان معانی استوار است.

تحلیل و ارزیابی ترجمه: در این عبارت، ترجمه واژه «الأسلوب» به صورت «اسالیب» با ساختار طبیعی زبان فارسی هماهنگ نیست و بهتر است معادل فارسی آن به کار رود. همچنین «التعقید» در اینجا به پیچیدگی در شیوه بیان و ساختار سخن اشاره دارد و محدود کردن آن به «بیان معانی» موجب کاهش دقت مفهومی ترجمه شده است.

ترجمه پیشنهادی: سبکی که بر پیچیدگی در شیوه بیان و ساختار سخن استوار بود.

۲. ۲. ۵. لغوی

متن عربی: «فقد جاء في إحدى رسائله لأستاذه أحمد بن فارس اللغوي المعروف...» (همان: ۲۳۸)

ترجمه مترجم: در یکی از نامه‌های او خطاب به استادش احمد بن فارس، لغوی مشهور آمده است.

در اینجا لغوی به معنی لغت‌شناس است که باید از معادل فارسی آن استفاده می‌کرد.

۲. ۲. ۶. فنی

متن عربی: «وليس معنى ذلک أنهم حققوا لأمثالهم جميعاً ضروباً مختلفة من القيم الفنية». (همان: ۲۴)

(این بدان معنا نیست که آنان در همه مثل‌هایشان از انواع مختلف این ارزش‌های فنی استفاده کرده‌اند.)

متن عربی: «وما من ريبٍ في أن هذه الأمثال تستحوذ على ضروب من الجمال الفني» (همان: ۲۲)

(بی شک بعضی از این مثل‌ها دربردارندهٔ انواع زیبایی‌های فنی است.)

مترجم در اینجا می‌توانست از معادل فارسی (هنری) استفاده کند؛ زیرا استفاده از اصطلاحات و معادل‌های زبان مقصد از عربی زدگی متن ترجمه شده می‌کاهد.

۲. ۲. ۷. عناصر/ تطور و تحول

متن عربی: «غير أنّ هذه العناصر لاتطغى على عناصر التحول والتطور فيه» (همان: ۷)

ترجمه مترجمان: اما این عناصر نمی‌توانند عناصر تحول و تطور را تحت الشعاع قرار دهند.

ترجمه پیشنهادی: اما این ویژگی‌ها نمی‌توانند مؤلفه‌های دگرگونی و پیشرفت در آن را تحت الشعاع قرار دهند. (همان: ۸)

۲. ۲. ۸. استفاده از صیغه‌های جمع عربی

نام بديع الزمان در همه جا به پرواز در آمد و در نزد سلاطین و رؤسا جایگاهی بلند پیدا کرد. (همان: ۱۹۱)

سبکی که بر پیچیدگی در اسالیب و تعقید در بیان معانی استوار است. (همان: ۱۹۵)

پس از برقوق، سلاطین متعددی به حکومت رسیدند. (همان: ۳۰۵)

در تمامی موارد فوق، مشاهده می‌شود که ترجمه مترجمان تا حد زیادی به متن مبدأ وفادار بوده است، اما انتخاب برخی معادل‌های مستقیم عربی، به ویژه در اصطلاحات فنی و ادبی، باعث شده است

که متن فارسی گاه کمی خشک و کمتر روان به نظر برسد. استفاده از واژگان فارسی دقیق، بدون کاستن از غنای معنایی، می‌تواند هم امانتداری معنایی را حفظ کند و هم روانی متن را افزایش دهد. این نکته به ویژه در مواردی که مخاطب فارسی‌زبان با اصطلاحات فنی عربی کمتر آشناست، اهمیت مضاعف دارد.

۲. ۲. ۹. حذف و اضافه

از دیگر راهکارهایی که مترجم ممکن است بدان متوسل شود تا ترجمه خود را با زبان مقصد منطبق سازد، راهکار حذف و اضافه است. مقصود اینکه مترجم اجزا و عناصری را از متن مبدأ کم کند یا به آن اضافه نماید، به منظور هماهنگ ساختن ترجمه با ساختار و فصاحت نحوی زبان مقصد. (سعیداوی، ۱۳۹۵: ۱۰) در واقع تعدیل یا تغییر شکل که یکی از موارد آن حذف و اضافه می‌باشد، از ارکان اساسی ترجمه است، به گونه‌ای که برخی ترجمه را عبارت از تغییر یک حالت یا شکل دیگر، برای برگردان آن به زبان خود یا دیگری تعریف نموده‌اند (کبیری، ۱۳۸۸: ۷).

در ترجمه اثر مذکور مشاهده می‌شود که مترجمان از این راهکار بهره برده و در ترجمه بعضی از جملات دست به حذف یا اضافاتی زده‌اند که در برخی موارد درست و بجا و در برخی دیگر نادرست می‌باشد:

۲. ۲. ۹. ۱. نمونه‌ها و تحلیل

متن عربی: «وقد عني علماء العصر العباسي بدراستها» (همان: ۲۰)

متن ترجمه شده: دانشمندان عصر عباسی به بررسی این مثل‌ها توجه ویژه‌ای داشتند.

تحلیل: در اینجا معادلی برای کلمه «ویژه» در متن اصلی وجود ندارد اما مترجمان آن را به متن اضافه نموده‌اند، این افزودن نوعی تأکید به متن می‌بخشد اما خللی ایجاد نمی‌کند و مطلوب و بجاست.

متن عربی: «ولقريش أيضاً خطباء كان ينفر إليهم العرب أمثال هاشم وأمية ونفيل بن عبدالعُزَّى... وإليه نفر عبدالمطلب بن هاشم وحرب بن أميّة» (همان: ۳۰)

ترجمه مترجمان: قریش نیز خطیبانی داشتند که مردم به آنان مراجعه می‌کردند مانند هاشم، أمیّه و نفیل بن عبدالعُزی... که عبدالمطلب بن هاشم و حرب بن امیه برای داوری نزد او رفتند. (همان: ۲۶)

تحلیل: واژه «داوری» معادلی در متن اصلی ندارد، اما مترجم با توجه به معنای فعل «نفر إلی شی» که به معنی «شتافتن به سوی چیزی» است، آن را اضافه کرده است. این افزودن در راستای انتقال مفهوم درست و بجا می‌باشد.

متن عربی: «وكانَ كل منهم يحاول أن يكون في بلاطه ودواوينه أهم كاتب في عصره حتى تشتهر دولته بتلك الطرف الزخرفية الّتي يخرجها هذا الكاتب.» (همان: ۲۲۷)

ترجمه مترجمان: هر یک از آنان سعی می‌کرد در دربار خود مهمترین نویسنده عصر را به خدمت گیرد تا دولت او با نوشته‌های زیبا و مزین آن کاتب به شهرت برسد. (همان: ۱۸۷).

تحلیل: در این ترجمه مترجمان علاوه بر استفاده از «دولت» به جای «حکومت» و فعل مفرد برای فاعل جمع، از ترجمه «دواوینه» چشم پوشی کرده‌اند، حال آنکه باید ترجمه می‌شد، زیرا معادل آن در متن اصلی موجود است.

متن عربی: «إنّ الإنسان ليحس عنده حقاً بأن التصنيع قد وصل إلى غايته من التجميل» (همان: ۲۳۴)

ترجمه مترجمان: با مطالعه نامه‌های او احساس می‌کنیم سبک تصنیع نزد او به نهایت زیبایی خود رسیده است. (همان: ۱۹۳)

تحلیل :عبارت «با مطالعه نامه‌های او» در متن اصلی وجود ندارد، اما با توجه به سیاق و فضای کلام، افزوده شده و مطلوب و مستحب است.

متن عربی: «وقد نحس هذه الحذلقة نفسها في وسائل التصنيع» (همان: ۲۳۷)

ترجمه مترجمان: این هنرنمایی و اظهار مهارت را در وسایل و ابزارها و اسلوب‌های تصنیع می‌بینیم. (ص ۱۹۵) تحلیل :مترجمان برای «وسائل» از سه تعبیر استفاده کرده‌اند که موجب اطاله کلام و زاید شدن متن شده است. بهتر بود یکی از این تعبیرات به کار می‌رفت تا متن روان‌تر شود.

در تمامی نمونه‌ها مشاهده می‌شود که حذف و اضافه در ترجمه گاه موجب افزایش شفافیت و انتقال مفهوم بهتر شده و گاه باعث طولانی شدن و کاهش روانی متن شده است. برای اثر مورد نقد، پیشنهاد می‌شود در چاپ‌های بعدی، مترجمان با حفظ امانتداری معنایی، از افزودن چند معادل غیرضروری پرهیز کرده و از ترجمه دقیق واژگان اصلی عربی استفاده کنند تا هم روانی متن افزایش یابد و هم وفاداری به متن مبدأ حفظ شود.

۲. ۲. ۹. ۲. عدم ترجمه ضمیر

یکی دیگر از مواردی که مترجم در باب حذف و اضافه بدان دچار شده، ترجمه نکردن ضمایر است که در طول بررسی متن به برخی از آنها برخوردیم از جمله:

متن عربی: «ومهما يكنف قدكان الخوارزمي من كبار الأدباء في عصره. روى ابن خلكان أنه استأذن على الصاحب في أرَّجان وهو لايعرفه.» (همان: ۲۳۲)

ترجمه مترجمان: به هر حال خوارزمی یکی از بزرگترین ادیبان دوران خود بود. ابن خلکان روایت کرده است که در ارَّجان از صاحب اجازه ورود خواست در حالی که صاحب تو را نمی‌شناخت. (همان: ۱۹۱)

تحلیل و ارزیابی ترجمه: در ترجمه این عبارت، اگرچه مفهوم کلی جمله منتقل شده است، اما به دلیل حذف مرجع ضمیر در بخش «در حالی که صاحب تو را نمی‌شناخت»، جمله فارسی دچار ابهام شده است؛ زیرا ضمیر «تو» می‌تواند به مخاطب یا شخص دیگری بازگردد و ارتباط آن با خوارزمی روشن نیست. در متن اصلی نیز ضمیر فاعلی در «استأذن» به خوارزمی بازمی‌گردد و ابن خلکان تنها ناقل روایت است. بنابراین، برای حفظ انسجام معنایی، لازم است مرجع ضمیر در ترجمه تصریح شود.

ترجمه پیشنهادی: به هر حال، خوارزمی از بزرگان ادیبان عصر خود بود. ابن خلکان روایت کرده است که خوارزمی در ارّجان از صاحب اجازه ورود خواست، در حالی که صاحب او را نمی‌شناخت.

متن عربی: «إنما المرء بأصغریه: قلبه ولسانه» (همان: ٢٣٤)

ترجمه مترجمان: ارزش انسان به دو عضو کوچک است: قلب و زبان.

بهتر بود مترجمان ضمیر موجود در «أصغریه» را نیز ترجمه کنند تا جمله زیباتر و نافذتر شود. ترجمه پیشنهادی: ارزش انسان به دو عضو کوچک اوست: قلب و زبانش.

۲. ۲. ۱۰. پایبندی به ساختارهای نحو عربی

هدف غایی مترجم در ترجمه متون باید انتقال معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد باشد، نه صورت و شکل؛ زیرا اگر مترجم در انتقال صورت حساسیت نشان دهد چه بسا باعث بوجود آمدن متنی ضعیف و دور از سبک‌های بیانی و بلاغی زبان مقصد می‌شود. در ترجمه اثر مذکور گاهی به چشم می‌خورد که مترجمان تحت تأثیر سبک و ساختار عربی قرار گرفته‌اند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

متن عربی: «وعلی هذا النحو کان الخوارزمی یعتمد في تصنیعه علی ماعرف عند ابن العمید وتلامذته من سجع و بدیع.» (همان: ۲۳۴)

ترجمه مترجمان: بدین ترتیب خوارزمی در تصنیع خود به آنچه نزد ابن عمید و شاگردان او از سجع و بدیع دیدیم، تکیه می‌کرد.

ترجمه پیشنهادی: بدین ترتیب خوارزمی در تصنیع خود به سجع و بدیع مرسوم نزد ابن عمید و شاگردان او تکیه می‌کرد.

متن عربی: «إنّه یعتمد علی الموسیقی: موسیقی السجع، کما یعتمد علی زخرف البدیع.» (همان: ۲۲۷)

ترجمه مترجمان: این نثر بر موسیقی متکی است: موسیقی سجع. همانگونه که بر زیورهای بدیعی متکی است. (همان: ۱۸۷)

ترجمه پیشنهادی: این نثر بر موسیقی سجع و بر انواع زیورهای بدیعی و آرایه‌های لفظی و معنوی استوار است.

استمرار پیروی مستقیم از ساختار عربی در ترجمه می‌تواند باعث سنگینی و دشواری فهم متن شود. مترجمان می‌توانند با رعایت روانی و سلیس بودن متن فارسی، برخی از جابه‌جایی‌ها و تعدیل‌ها در ساختار جمله را اعمال کنند تا هم وفاداری به متن حفظ شود و هم متن برای خواننده امروزی روان‌تر گردد.

۲. ۲. ۱۱. اشتباهات ترجمه

به ندرت می‌توان ترجمه‌ای را یافت که عاری از هر گونه اشتباه و خطا باشد. در اثر حاضر نیز مواردی مشاهده می‌شود که مترجم در برگردان آنها دچار اشتباه شده است که در ذیل چند نمونه ذکر می‌شود:

متن عربی: «قد بدأت صناعةُ النثر في العصر الجاهلية بصورة فنية لا تأنق فيها ولا تعقيد تبعاً لحياة العرب البسيطة التي لم تكن تعتمد على تصعيب في الأداء ولا على تنميق». (همان: ۷)

ترجمه مترجمان: صنعت نثر از دوره جاهلی به صورت هنری آغاز شد، اما به دلیل زندگی ساده عرب‌ها، در آن پیچیدگی و آراستگی چندانی بوجود نیامد و بر دشوارسازی بیان و تزیین عبارات تکیه نداشت. (همان: ۸)

ترجمه نامفهوم و مقصود متن اصلی را نمی‌رساند. ترجمه پیشنهادی: فن نثر در دوره جاهلی به‌عنوان یک هنر آغاز شد؛ اما از آنجا که زندگی عرب‌ها ساده بود، در آن پیچیدگی و آرایش‌های ادبی چندانی پدید نیامد و بر پیچیده‌سازی معانی و آراستن عبارات استوار نبود.

متن عربی: «وفي عهد قُطُز هزمت جيوشه وعلى رأسها الظاهر بيبرس جيوشَ هولاكو التتري، وكان ذلك سبباً في التماع اسم الظاهر». (همان: ۳۷۶)

ترجمه مترجمان: در دوران قطز، سپاه هلاکوی مغول در مقابل سپاهی به فرماندهی ظاهر بیبرس شکست خورد و همین امر باعث درخشش نام «ظاهر» شد.

ترجمه پیشنهادی: در دوران قُطُز، سپاه وی به فرماندهی ظاهر بیبرس، سپاه هلاکوی مغول را شکست داد و همین امر موجب درخشش نام «ظاهر» گشت.

متن عربی: «وقد أكثر العرب من صنع الأمثال وضَربها في جميع أحداثهم وشئون حياتهم، وكثيراً ما كانوا يسوقونها في خطاباتهم.» (همان: ۲۲)

ترجمه مترجمان: عرب‌ها در همه مسائل و حوادث زندگی و به مقدار زیاد به ساختن و کاربرد مثل می‌پرداختند و در بسیاری موارد در خطابه‌ها آن را ذکر می‌کردند. (همان: ۱۸)

ترجمه پیشنهادی: عرب در همه امور و حوادث زندگی، به فراوانی به وضع و کاربرد ضرب‌المثل‌ها می‌پرداخت و در بسیاری از موارد، آنها را در خطبه‌های خود به کار می‌برد.

مشاهده می‌شود که بسیاری از مشکلات ترجمه شامل عدم ترجمه ضمایر، پیروی بیش از حد از ساختار عربی و ابهام در واژگان است. این موارد می‌توانند فهم متن را برای خواننده دشوار کنند؛ بنابراین رعایت امانت معنایی همراه با تعدیل جملات برای روانی و شفافیت متن فارسی، در چاپ‌های بعدی بسیار ضروری است.

۲. ۲. ۱۲. شیوه ارجاع دهی

بی‌شک یکی از عمده‌ترین نقاط ضعف کتاب شوقی ضیف، فقدان فهرست منابع و مآخذ در پایان کتاب است و نویسنده تنها به ارجاعات پاورقی اکتفا نموده و از آوردن شناسنامه کامل منابع در پایان کتاب خویش خودداری نموده است. در اثر ترجمه شده مترجمان از منابعی به جز منابع ذکر شده در متن اصلی استفاده کرده است، اما ظاهراً به تبعیت از اصل کتاب، شناسنامه کامل اثر را نیاورده است. برای مثال،

ارجاع به منبع زیر: (میدانی، ۱۳۶۶: ۲/ ۱۵۲) که نویسنده تنها به آوردن این مقدار از اطلاعات کتاب اکتفا کرده است.

وجود فهرست کامل منابع و مآخذ، نه تنها اعتبار علمی اثر را افزایش می‌دهد، بلکه امکان بررسی دقیق‌تر خوانندگان و پژوهشگران را نیز فراهم می‌آورد. از اقدامات مثبت مترجمان افزودن فهرست نمایه در پایان کتاب است که از محسنات اثر ترجمه شده محسوب می‌شود. شماره‌های پاورقی‌ها در هر صفحه به صورت مجزا پیگیری شده و در ارجاعات از شیوه نام کتاب، محل نشر و جلد کتاب استفاده شده است.

۲. ۲. ۱۲. ۱. مشکلات رایج در ارجاعات ترجمه

یکسان نبودن آوردن «ال» تعریف در نام کتاب‌ها: در برخی ارجاعات، اسم کتاب بدون «ال» و در برخی دیگر با «ال» آورده شده است. بهتر بود تمام ارجاعات یکدست باشد. نمونه‌ها: صص ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۳۲ و... .

استفاده مکرر از نام کتاب به جای لفظ «همان» در برخی ارجاعات که چند بار پشت سر هم استفاده شده است، به جای لفظ «همان»، خود منبع دوباره ذکر شده است که خطا است. نمونه: صفحه ۱۶، کتاب «مفضلیات» دو بار پشت سر هم استفاده شده و هر دو بار اسم کتاب آمده است. دیگر نمونه‌ها: صص ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵ و... .

۲. ۲. ۱۲. ۲. یکدستی ارجاعات و اعتبار علمی

یکپارچگی در نحوه ارجاع‌دهی، از جمله آوردن یکنواخت «ال»، استفاده از لفظ «همان» در ارجاعات متوالی و ارائه شناسنامه کامل منابع، تاثیر مستقیم بر اعتبار علمی ترجمه و خوانایی اثر دارد. رعایت این اصول علاوه بر افزایش شفافیت، به پژوهشگران امکان می‌دهد بدون نیاز به رجوع مکرر به منابع اصلی، مسیر تحقیق و استناد دقیق را دنبال کنند.

نتیجه‌گیری

به یقین، ترجمه کتابی با این حجم، کار آسانی نبوده و نیازمند زمان و دقت فراوان است که مترجمان محترم از عهده آن برآمده و مخاطبان ترجمه حاضر اطلاعات بسیار مفید و گرانقدری را در باب نثر در زبان عربی از ابتدای پیدایش تا مرحله تکامل کسب می‌نمایند. با این حال، ترجمه‌ای نمی‌توان یافت که خالی از عیب و نقص باشد. از مطالب ارائه شده در این مقاله، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

در بررسی بعد شکلی، با وجود برخی امتیازات همچون طرح جلد، نواقص متعددی در حروف‌نگاری و علائم نگارشی، اشتباهات تایپی و نگارشی فراوان مشاهده شد.

امانتداری مترجم در طول ترجمه از محسنات قابل توجه اثر بود و نشان‌دهنده پایبندی به متن اصلی است.

در برخی موارد، مترجم در واژه‌گزینی دقت لازم را اعمال ننموده و از برخی کلمات مشترک بین زبان عربی و فارسی استفاده کرده است؛ حال آنکه بهتر بود از واژگان دقیق و طبیعی زبان مقصد بهره می‌گرفت.

زبان اثر ترجمه شده اغلب علمی، شیوا و به دور از ابهام و پیچیدگی است و خواننده به راحتی معنی را درمی‌یابد. با این حال، مترجم گاهی معنای درست برخی از جملات را درنیافته و به همین علت در برگردان آنها دچار لغزش شده است.

با توجه به موارد فوق، اثر ترجمه شده نه تنها به عنوان منبعی ارزشمند برای آشنایی با نثر عربی محسوب می‌شود، بلکه به پژوهشگران و دانشجویان امکان می‌دهد روند تکامل سبک‌های نثر عربی از دوره جاهلی تا قرون جدید را به صورت تطبیقی و تحلیلی دنبال کنند. همچنین بررسی نقاط ضعف و قوت ترجمه، تجربه‌ای مفید برای بهبود مهارت‌های ترجمه و نقد متون تاریخی ـ ادبی فراهم می‌آورد. با توجه به نتایج گفته شده، کتاب مورد بحث می‌تواند به عنوان منبعی معتبر برای مطالعه، تحقیق و پژوهش در زمینه سبک‌های نثر عربی از دوره جاهلی تا قرون جدید مورد استفاده قرار گیرد.

کتابنامه

- اکبری‌تبار، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). **مطالعه‌ای در باب فرآیند طراحی جلد کتاب**: به همراه نتایج نظرسنجی در مورد طرح جلد کتاب‌های انتشارات سوره مهر، فصلنامه تحلیلی ـ پژوهشی کتاب مهر.
- حاجی‌زاده، مهین. (۱۳۹۵). **پژوهش‌نامه انتقادی** متون و برنامه‌های علوم انسانی .پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۶ (۶)، ۱۰۶-۸۵
- حدادی، محمود.(۱۳۸۴). **مبانی ترجمه**، چاپ اول. تهران: رهنما.
- رضایی، غلامعباس، محمودی، ابوبکر. (۱۳۸۹). **بررسی تطور ساختاری دو قصیده جاهلی و اسلامی از حسان‌بن ثابت با نظر به مکتب ساختارگرایی**، پژوهشنامه نقد ادبی، (۱). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سعیداوی، علی. (۱۳۹۵). **بررسی و نقد ترجمه کتاب أسس اللغة العربية (زبان‌شناسی عربی)**. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۶ ، (۶)، صص ۱۵۸-۱۳۷.
- سمت. (۱۳۸۹). **گزیده شیوه‌نامه تدوین و آماده‌سازی منابع درسی و علمی**. تهران: سمت.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۸). **هفت گفتار درباره ترجمه** .تهران: نشر مرکز.
- ضیف، شوقی. (۱۹۶۰). **الفن ومذاهبه فی النثر العربی** .قاهره: دارالمعارف.
- طالقانی، محمود(۱۳۷۰). **روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی** .تهران: دانشگاه پیام نور.
- الفاخوری، حنا. (۱۹۸۶). **الجامع فی تاریخ الأدب العربی**، چاپ اول. بیروت: دارالجبل.

- فروخ، عمر. (۲۰۰۸). **تاریخ الأدب العربی**. بیروت: دارالعلم للملایین.
- قصاب، ولید. (۲۰۰۷). **مناهج النقد الأدبی الحدیث: رؤیهٔ إسلامیهٔ** .دمشق: دارالفکر.
- کاردان، علی‌محمد. (۱۳۸۲). **نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن** .سخن سمت، (۱۰) .تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به سمت.
- میرزایی، فرامرز، ابویسانی، حسین. (بی‌تا). **تحلیل انتقادی کتاب الاتجاهات والحرکات فی الشعر العربی الحدیث.** بی‌نا

التنظيرات والنقد في الأدب العربي
السنة الرابعة، العدد ١٦، الشتاء
١٤٠٣هـ. ٢٠٢٥م، صص ٦٦-٤٧

مقاله بحثيه

DOI: 10.22034/jral.2026.592147.1120

دراسة تحليلية نقدية لنماذج مختارة من ترجمة كتاب «الفن ومذاهبه في النثر العربي»

فاطمة تنها *[١]، سبحان كاوسى[٢]

(تاريخ الوصول:١٤٠٤/٠٤/٢٥، تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٦/١٢)

المخلص

شهد النثر العربي منذ العصر الجاهلي حتى اليوم تحولات وتطورات متلاحقة في مختلف البيئات العربية، وقد تناول عدد من الكتّاب والباحثين هذه التحولات بالدراسة والتحليل، وطرحوا رؤى ونظريات متعددة حول مسيرة تطور النثر ومراحله. ومن أبرز هؤلاء الباحثين شوقي ضيف، الأديب والناقد المصري المعاصر، الذي تناول في كتابه «الفن ومذاهبه في النثر العربي» تطور النثر العربي منذ العصر الجاهلي حتى بدايات العصور الحديثة، من منظور فني وأدبي. وقد تُرجم هذا الكتاب إلى اللغة الفارسية على يد مرضية آباد وروح الله مهديان. هدف هذه الدراسة، المعتمدة على المنهج الوصفي التحليلي، إلى تقويم جودة هذه الترجمة في ضوء مبادئ نقد الترجمة، من خلال الارتكاز إلى معايير الأمانة، والدقة المفهومية، ونقل الأسلوب، والتكافؤ، وتحليل الأخطاء الترجمية. ويستند الإطار النظري للبحث إلى هذه المعايير، حيث جرى التعريف بالنص الأصلي، ثم مقارنته بالنص المترجم وتحليله على المستويات المعجمية والنحوية والأسلوبية. وتُظهر نتائج الدراسة أن ترجمة هذا الكتاب، شأنها شأن معظم الأعمال الإنسانية، تجمع بين جوانب القوة والقصور، وقد تجلّى ذلك في بنيتها الشكلية والمضمونية. فمن أبرز مزاياها حسن تصميم الغلاف، والالتزام النسبي بأمانة الترجمة، وتمتع المترجمين بتخصص أكاديمي في اللغة العربية وآدابها. وفي المقابل، كشفت الدراسة عن عدد من أوجه القصور، من أهمها كثرة الأخطاء الطباعية، وعدم ضبط الأبيات الشعرية والشواهد والنصوص العربية بالشكل الكامل، والتأثر المفرط بالبنية النحوية العربية، مما أدى في كثير من المواضع إلى ترجمة حرفية، فضلاً عن عدم الدقة في ترجمة بعض المصطلحات المتخصصة والتراكيب المعقدة، وهو ما أثّر في جودة النص المترجم.

الكلمات المفتاحية: النثر العربي، الفن ومذاهبه في النثر العربي، شوقي ضيف، نقد الترجمة.

١. أستاذة مساعدة، قسم تعليم اللغة العربية وآدابها، جامعة فرهنكيان طهران (الكاتب المسئول). البريد إلكتروني: a.ganjali@hsu.ac.ir
٢. أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة كوثر بجنورد، ايران

حقوق مؤلف: الكاتب **الناشر:** جامعة كوثر